**فریضه «طبیعی» سرنگونی هواپیمای مسافری، موج پرت و پلاگویی های حضرات و مشتلق های بعدی**

یک رأس آخوند ـ جانور به نام هادی صادقی که عنوان «معاون فرهنگی رئیس قوه قضائیه» را هم یدک می کشد به صریح ترین وجه ماهیت تألمات مقامات مختلف رژیم را از کشته شدن مسافران هواپیمای ساقط شده اوکراینی برملا کرده است.

ایشان فرمایش فرموده اند که در شرایط جنگی کشته شدن «خودی ها» امری «طبیعی» است! جل الخالق که چه «صداقت»ی هم در این بیان نهفته است. بخصوص که در ادامه به خبرگزاری حکومتی میزان بیشتر لو داده اند:‌ «در جریان جنگ هشت ساله عراق و ایران هم «خودی ها» کشته می شدند»!‌
انسان وقتی حرفهای او را می خواند دچار شک می شود که این حیوان، آخوند ـ جانور است یا جانورـ آخوند؟ جای شکرش باقی است که این مژده را به ما داده اند که: ‌دستگاه قضایی این موضوع را با دقت پیگیری خواهد کرد! تنها ابهامی که وجود دارد این است که جناب معاون فرهنگی! میزان مشتلق قوه قضائیه را به کس یا کسانی که به انجام فریضه‌ «طبیعی» قیام و به هواپیما شلیک کرده اند مشخص نکرده است.
کلام حاج آقا صادقی به روشن ترین وجه چند مسأله را روشن می کند. اول این که به ما و همه آنهایی که عزادار ۸۰ـ۱۷۰ مسافر بی گناه هستند نهیب می زند که ای بابا چه خبرتان است؟ برای یک امر طبیعی ناقابل که آدم «معامله» را به هم نمی زند. یک مشت اشرار تحصیل کرده راه افتاده اند توی دانشگاهها و خیابانها و با تیزترین شعارها به مقام معظم رهبری هشدار می دهند که: «خامنه ای به هوش باش! ما ملتیم نه اوباش! فتنه تویی ستمگر» البته حاج آقا صادقی به اعتبار کسب و کار خاص آخوندی، و آن هم آخوند قوه‌ قضایی، بسیار کمرو و خجالتی هم تشریف دارند. یعنی در واقع ملاحظه کرده و مکنونات قلبی خود را بیان نکرده اند. والا همچون گراز وحشی تکیه زده بر منبر امامت جمعه مشهد مشخصا می گفت که آن اشرار تحصیل کرده دانشگاهی در واقع یک مشت افسر آمریکایی با لباس و پاگون و مدال نظامی بوده اند. والا کدام ولایتمداری به خود اجازه می دهد که هنوز آب کفن سردار سلیمانی خشک نشده فریاد بزند: «نه شاه می خواهیم نه رهبر، نه بد می خواهیم نه بدتر» و بعد هم با کمال وقاحت و بیرحمی از فرمانده کل قوا می خواهند که خودش به پای خودش بیاید پای میز محاکمه! اینها نه طنز است و نه طعنه. نه نیش است و نه کنایه. محتوای درونی وراجی ها و پشت هم اندازی های تمام اراذل حکومتی است که بعد از رسوایی شلیک به یک هواپیمای مسافربری ریاکارانه گردن کج کرده اند و مثل مشاور سیاسی آخوند روحانی اشک می ریزند که «ما را گول زدند!» عجبا!‌ باید به واقع رفت و کسی که توانسته آخوندها را گول بزند دستگیر کرد و در موزه جانورشناسی به نمایش گذاشت. اما واقعیت این است که رسوایی به قدری روشن است که جیغ و فریاد و حتی عربده بالا تا پائین نظام را در آورده است.
به یاد بیاوریم مظلوم نمایی های مشمئزکننده پهلوان پنبه پاسداران را. پاسدار حسین سلام از آن گونه موجوداتی است که تا می تواند داد و بیداد می کند، جو سازی می کند، شهیه می کشد، عرعر می کند، جفتک می پراند و امورات خود را با این قبیل چیزها حل می کند. نمونه های تاریخی این قبیل جانوران هم در ارتش شاه بود. به آنها ژنرال های هارت و پورتی می گفتند. این قبیل پهلوان پنبه ها، دلم نمی آید بگویم دن کیشوت ها، ویژگیهای غریبی دارند. به معنای عامیانه و مفهوم تر با «عر و تیز» زندگی می کنند و با موش مردگی رقت انگیزی، بخصوص وقتی که دستشان رو شود، آرزو می کنند که ای کاش در هواپیمای سرنگون کرده دم و دستگاه خودشان حضور داشتند و شربت شهادت را میل می کردند. نمایشی از حقارت و درماندگی که در تنور عوامفریبی و ریا پخته و عرضه می شود. همین طور آن مثلا سردار اتوکشیده اش که مدعی بود می تواند در یک چشم به هم زدن ۵هزار نظامی آمریکایی را نابود کند و بعد تق موشکهای پرتابی اش در بیابانهای اطراف عین الاسد در می آید این یکی با دسته گلی که به آب داده ناله می کند که گردنش از مو هم نازک تر است.
این قبیل اظهارات و به میدان آمدن چنین اراذلی که در پشت هم اندازی و دنائت دست همه همکنان سابق و اسبق خود را از پشت بسته اند تصادفی نیست. همه حضرات یک حاج آقای ابله هستند که به جای اظهار نظر، ماهیت ددمنشانه «برادران» را لو می دهد و فاجعه سرنگونی هواپیمای مسافربری را امری «طبیعی» توصیف می کند.
اما رسواتر از این اکابر جنایت، روضه خوانی و مداحی های پا منبری آنها در وزارت اطلاعات است. آنان وظیفه‌ خطیر قلم به مزدی وزارتی را به نحو سخیفی می نویسند و تبلیغ می کنند. نگاهی ولو گذرا به سایتها و اظهارات این خودفروختگان هرزه نویس بیندازید. و ببینید که بعد از غلط کردم گویی افسران بالا دست خود چه الم شنگه ای برای مجاهدین راه انداخته اند.
قبل از مقر آمدن ستاد نیروهای مسلح رژیم و اعتراف به «فریضه طبیعی»، قداره بندان حقیر وزارتی به میدان آمدند و از جمله یکی از سایتهای انجمن نجاست نوشتند: «به گزارش رسانه های ایران از جمله سخنگوی فرودگاه امام یک فروند هواپیمای مسافربری بویینگ ۷۳۷ متعلق به خطوط هوایی اوکراین پس از پرواز از فرودگاه امام در نزدیکی تهران دچار نقص فنی شد و سقوط کرد که به اذعان مقام های امدادی ایران تمام مسافران وخدمه پروازی جان خود را ازدست دادند که اغلب مسافران ازهموطنان مان بوده اند». بعد هم در کمال پررویی از نوع آخوندی اضافه کرد: «فرقه رجوی ما بعد اطلاع رسانی رسانه های ایران ازسقوط هواپیمای اوکراینی، نابخردانه به دروغ متوسل شد ودر رسانه های نخ نمای خود ادعا نمود که هواپیمای اوکراینی به اشتباه هدف پدافند سپاه پاسداران درمنطقه فرودگاه قرارگرفته است! رجویها با پرداختن و دامن زدن حساب شده به چنین شایعه مضحکی می خواهند هدف قرارگرفتن دو پایگاه مهم آمریکایی ها درعراق که با نیت انتقام گیری از شهادت سردار سپهبد حاج قاسم سلیمانی صورت گرفت را کم اهمیت جلوه داده و مخدوش کنند». هنوز چند روز نگذشته طشت بی آبرویی رژیم از بام به زمین افتاد و پرده ها بالا رفت. اما وقاحت آخوندی مرزی ندارد. لذا در یک سایت دیگر وزارتی ادعایی مسخره تر مطرح شد. سایت فراق متعلق به وزارت خبیثه ابتدا آمریکا را مسئول سقوط هواپیما معرفی کرد و نوشت: «تحقیقات درباره سقوط هواپیماهای آمریکایی بوئینگ آن هم از نوع ۷۳۷ طی سالهای اخیر را باید فراتر از بازخوانی جعبه های سیاه آنها مورد بررسی قرار داد. با توجه به نو بودن تمام بوئینگ‌های سقوط کرده و شناختی که از خوی آمریکایی داشته‌ایم بیم آن می‌رود دولت تروریستی ایالات متحده آمریکا از این ابزار برای هدف‌های غیر مشروع خود نیز استفاده کرده باشد». و در قدم بعد سقف جدیدی از بلاهت و دریدگی زد و نوشت: «کاربر دیگری هم از احتمال دست‌داشتن منافقین در سقوط هواپیمای ۷۳۷ نوشت: «من چهارماه پیش همین پرواز رو سوار شدم. مشخصات پرواز همونه، ۷۵۲، ترامپ گفته بود ۵۲ هدف ایرانی را می زنیم با توجه به این که عادت دارد این طوری پز بده احتمال هدف‌گیری از پیش برنامه‌ریزی شده این پرواز با موشک دوش پرتاب هست، تماس‌هایی که از فرودگاه و اطراف اون زمان گرفته شده رو بررسی کنید که مختصات دادن.» و مضحک تر آن که افاضه کرد: «نباید جای شاکی و متهم عوض شود. بوئینگ اولین مظنون است » مزدور دیگری، در یک سایت دیگر وزارتی، ضمن نشان شجاعت .و صداقت دادن به سردار حاجی زاده که منت گذاشته و قبول مسئولیت فرموده اند نگرانی عمیق خود را از مجاهدین این چنین بروز داده است: «درچنین شرایطی فرقه بدنام مجاهدین خلق باردیگر وارد معرکه شد تا همانند گذشته و در راستای اهداف پلید و مقاصد کثیف سیاسی خود از خون قربانیان وعواطف پاک خانواده ها سواستفاده سیاسی تبلیغی نماید و درحالی که درسه روز اول کاملا سکوت کرده بود. آن یکی مزدوز بی آبرو هم که حتی برای سرویس های جاسوسی هلند هم شناخته شده و لو رفته است این جریان را: «افتضاح و شکست چندباره خاک اندازان، این بار در پشت نقاب داغداران حادثه هواپیمایی» خواند!
به ترشحات قلمی یکی دیگر از این موجودات، که معلوم هم نیست دکترای خود را از کدام طویله آخوندی گرفته است، توجه کنیم. ایشان با نام پرطمطراق «دکتر سید محسن موسوی زاده» در سایت هابیلیان وزارت خبیثه فرمایش فرموده اند که: «جریان رسانه‌ای گروهک تروریستی منافقین طی هفته‌های گذشته تلاش کرده تا با اجرای خط خبری پیچیده علیه جمهوری اسلامی ایران، در حوزه سیاسی و اجتماعی هماهنگ با اقدامات تروریستی واشنگتن عمل کرده تا زمینه‌های موفقیت‌آمیز بودن اقدامات ضدایرانی، آمریکا را هر چه بیشتر فراهم کند. گروهک منافقین از زمان انتشار خبر شهادت سردار سلیمانی با این تصور که شرایط برای عرضه ‌اندام فراهم است، تلاش کرد تا از حالت انفعالی به تهاجمی تغییر روش دهد. در این راه منافقین استراتژی‌های مختلفی را در پیش گرفتند که مروری بر عملکرد آن‌ها نشان می‌دهد که بیشترین حوزه فعالیت آن‌ها در دو هفته اخیر در حوزه رسانه ها و فضای مجازی بوده است؛ هر چند که منافقین در همین مدت درصدد بود تا بتواند با سوءاستفاده از وضعیت به وجود آمده زمینه‌های ایجاد ناآرامی‌های خیابانی را نیز فراهم کند».
عجبا از این همه ذکاوت!‌ حال مقایسه کنید این قسمت حرفهای آقای دکتر را که نوشته است:‌ «رسانه‌های منافقین تلاش دارند با سوءاستفاده از برخی از حوادث به وجود آمده در هفته‌های اخیر مانند سقوط هواپیمای اوکراینی و فوت برخی از شهروندان در مراسم تشییع شهید سیلمانی، فضای آشفته‌ای از تصمیم‌سازی و سیاستگذاری در ایران به نمایش بگذارند. براین اساس گروهک منافقین در گزارش‌های خبری و تحلیل تمرکز محتوایی را بر تاثیر منفی فضای ایجاد شده بر آینده سیاسی، اقتصادی و اجتماعی ایران قرار داده است». زندانیان زمان شاه حتما به خاطر می آورند که یکی از نامهای بازجویان و شکنجه گران «دکتر» بود. حالا این آقای دکتر هم که در شقاوت همسان همان بازجویان و در بیسوادی و بلاهت دست کینگ کنگ عقب افتاده ای مثل علم الهدی را از پشت بسته از نوع همان کسان است که توبه از روی نابکاری هم نمی کنند!
به همین دلیل ادعاهای حضرات، کلا علی کل، به ویژه نوع کراواتی شان در خارجه، با همان فریضه‌ طبیعی که آخوند هادی صادقی گفته بود. هیچ فرقی ندارد؟ مو به مو از مغزهای علیلی صادر می شود که در آخرین مراحل حیات سیاسی خود بوی تمام سوز شدن شان عالم را پر کرده است. در هیچ کدام از این اظهارات آیا دردی به معنای واقعی از کشته شدن ۱۸۰ مسافر هواپیمای سرنگون حس می شود؟ پس ما به واقع یک تشکر به آخوند هادی صادقی بدهکاریم که خیلی روشن و واضح نه تنها اعلام «طبیعی» بودن کرد که علاوه بر آن فاش ساخت «در جریان جنگ هشت ساله عراق و ایران هم «خودی ها» کشته می شدند»!‌ یعنی اگر ما هم ملتفت نشده ایم، یا در زیر بمباران جنجالهای رژیم پرده ای رویش کشیده شده اما این قبیل جنایات طبیعی یک سیاق ثابت و روش جاری دستگاه آخوندی بوده است. یعنی باید جایزه را باز هم به آخوند صادقی داد که به ما یادآوری می کند فراموش نکنیم که جنایت سرنگونی هواپیمای مسافربری تنها جنایت از این نوع نبوده است. و بر دوش تک تک دردمندان از حاکمیت آخوندی است که نمونه های دیگر را پیدا و افشا کنند. بی شک مشتلق های بعد به یابنده جنایتهای مکتوم تعلق می گیرد!
با سپاس مجدد از یادآوری آخوند ـ جانوری که پست بسیار حساس معاونت فرهنگی قوه‌ قاتلی همچون رئیسی را اشغال کرده است.